



نگاهی کوتاه بر تاریخچه زبان و ادبیات

فارسی در شبه قاره (۱۱۲)

(بخش سوم)

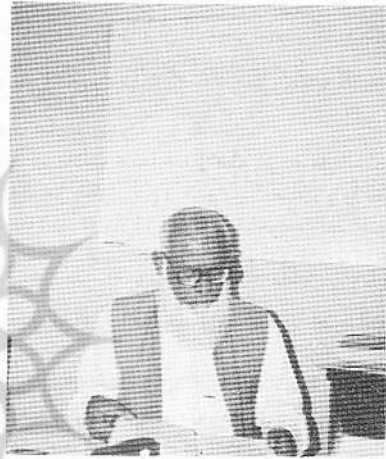
تقسیم می‌شود: بخش اول شامل نامه های شاهنشاه است که به امضاء اکبر شاه نوشته شده است، بخش دوم، نامه هایی است خطاب به اکبر شاه و شاهزادگان و رجال و سومین بخش شامل دیباچه ها، اشعار کوتاه و چکیده هایی از چند کتاب و نوشته های دیگر است. (۱۱۳)

سه دفتر ظهوری مشتمل بر: «دیباچه نورس»، «گلزار ابراهیم» و «خوان خلیل» توسط دانشمند مشهور و شاعر پارسی گوی نورالدین ظهوری تُرشیزی - نوشته شده و به بزرگترین حامی و پشتیبانش «سلطان ابراهیم عادل شاه دوم پادشاه دکن» پیشکش شده است. آثار دیگر او عبارتند از «پنج رقعہ» و «مینابازار» که به عنوان نمونه انشاء نگاری و نثر مصنوع فارسی دارای اهمیت است. (۱۱۴)

آثار دیگر قابل ذکر در این زمینه عبارتند از: «بدایع الانشاء» از حکیم یوسف، «رقعات حکیم» از ابوالفضل گیلانی، «بهار سخن» از محمد صالح کنبوه، «انشای منیری» از منیر لاهوری، «رقعات عالمگیری» و «آداب عالمگیری» هر دو از عالمگیر که به ترتیب توسط سید نجیب اشرف و ابوالفضل قابل خان تنظیم یافته است. علاوه بر اینها مجموعه نامه های عالمگیر مثل «آداب عالمگیری»، «کلمات الطیبات» و «چهار عنصر» نوشته عبدالقادر بیدل نیز قابل ذکرند. (۱۱۵)

هنر و علوم:

فعالیت دانشمندان مسلمان تنها منحصر به شاخه های یاد شده در زبان و ادب فارسی نبود، پیشرفت های شایان دیگر در زمینه های هنر و علوم نیز ثمره کوشش های مؤثر و استعداد دانشمندان مسلمان بود که آثار متعدد و ارزشمند

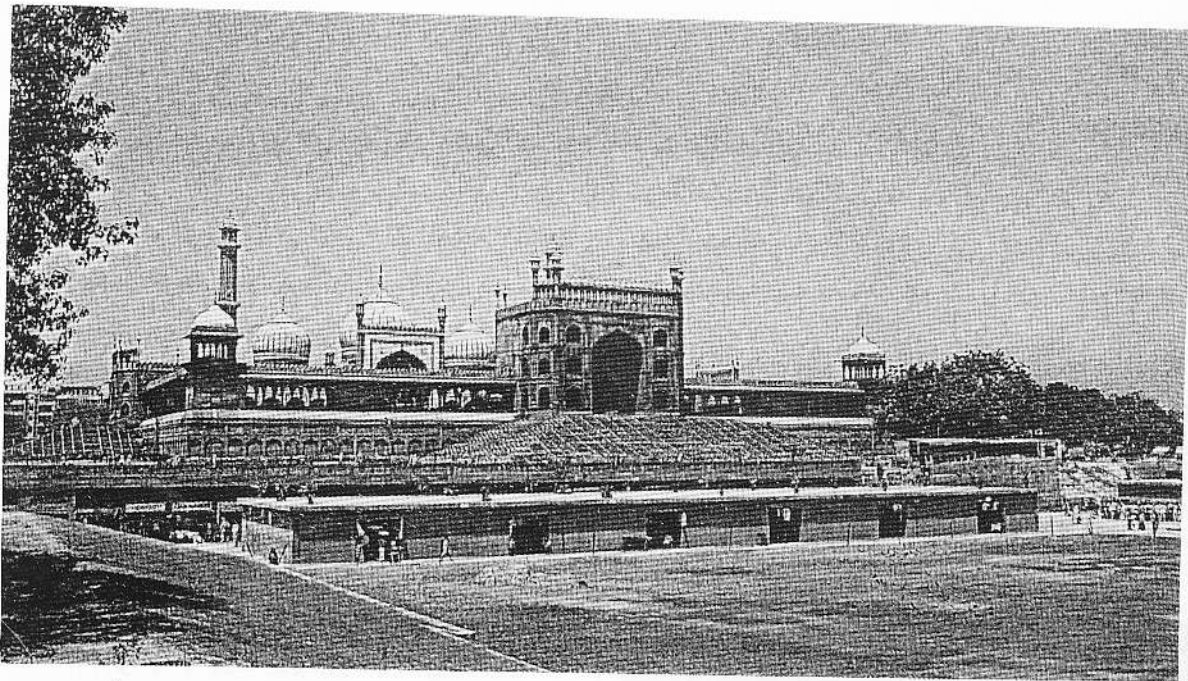


دکتر ساجدالله تفهیمی، استاد دانشگاه کراچی

ترجمه دکتر علی محمد موذنی، استادیار دانشگاه تهران

انشاء نگاری (ترسل) در دوره گورکانیان هند:

انشاء به عنوان یکی از بهترین ملاک های پیشرفت نویسندگان در زبان فارسی شناخته شده است، هرچند در دوران سلاطین دهلی نیز چند تن از دانشمندان مثل امیرخسرو نویسنده اثر مشهور «اعجاز خسروی»، عین الملک ماهرو نویسنده «انشای ماهرو» و محمودگوانی نویسنده «مناظر الانشاء» و «ریاض الانشاء» آثار متعددی در فن انشاء آفریدند، در دوران مغول این نوع ادبی راه رشد خود را پیمود و به ذروه کمال نائل آمد. علاوه بر اینها مجموعه نامه ها (مکتوبات) نیز درخور ذکرند: به عنوان مثال: مکتوبات علامی که به انشای ابوالفضل نیز معروف است نوشته ابوالفضل علامی (م. ۱۶۰۲/م. ۱۰۱۱هـ) است. این مجموعه پس از مرگ نویسنده، توسط عبدالصمد در سال ۱۶۰۶/م. ۱۰۱۵هـ منظم گردید و به سه بخش دفتر عمده



مسلمان در این دوره درباره آنها دست به تألیف زدند، عبارتند از: «فلسفه»، «اخلاق»، «روانشناسی»، «علم الاشیاء»، «موسیقی»، «خوشنویسی»، «دائرة المعارف»، «حسابداری»، «جغرافیا»، «جانورشناسی»، «کشاورزی» و «ورزشهای مختلف» مثل «شکار».^(۱۲۰)

شعر و شاعری:

دوره مغول به لحاظ گسترش برجسته در زمینه شعر فارسی مورد توجه واقع شده است. در نتیجه بی توجهی حکمرانان دوره صفویه در ایران به شعر فارسی از یک سو و رسم سخاوت و بخشندگی سلاطین گورکانی و اعضای خاندان سلطنتی و رجال مشهور دربار به ادبیات، تعداد زیادی از شاعران فارسی زبان از ایران به شبه قاره کوچیدند و در آنجا تحت حمایت پادشاهان مغول رشد و کمال یافتند، لذا تعدادی از شعرای مشهور فارسی زبان از خارج به شبه قاره هجرت کردند.

سه قالب عمده شعری که مورد توجه شعرا در این دوره بوده است، عبارتند از: قصیده، مثنوی و به ویژه غزل. در قصیده: فیضی فیاضی، عرفی، ظهوری، طالب، قدسی، کلیم.

در غزل: نظیری، صائب، بیدل، ناصرعلی سرهندی. در مثنوی: محمد معصوم نامی، یعقوب صرفی، ملاشاه بدخشی، منیر لاهوری، طالب، میرشمس الدین فقیر، از شعرای مشهور هستند. بیشتر این شعرا به شیوه بابافغانی، مشهور به «سبک هندی» شعر سرودند. تعداد زیادی از

دیگری را به فارسی در سایر موضوعات مهم و گوناگون پدید آوردند. در دوره انحطاط امپراتوری مغول، پیشرفت و ترویج ادب فارسی در فرمانروائی های شبه قاره مثل (میسور، رامپور، بنگال، دکن، تانک (تونک)، پنجاب و سند نیز ادامه یافت.

این دوره شاهد گسترش فراوان در علوم نیز بود به عنوان مثال در «طب و دارو» حکیم یوسف بن محمد یوسفی هروی، حکیم رستم جرجانی، حکیم عین الملک نورالدین محمد عبدالله شیرازی، حکیم میرمحمد هاشم علوی شیرازی - در دوره حکومت عالمگیر، شاه عالم اول و محمدشاه^(۱۱۶) - حکیم با یزید بن شاه رحمت الله، حکیم محمد اکبر ارزانی، حکیم محمد حسین خان بن حکیم محمد هادی خان شیرازی و حکیم محمد شریف خان، تعدادی از پزشکان برجسته ای هستند که در موضوع داروشناسی کتابهای زیادی را تألیف کردند، که در دوره های بعدی شامل برنامه ها و مواد درسی علم طب قرار گرفت.^(۱۱۷)

علاوه بر علم داروشناسی، بیشترین پیشرفت ها در زمینه «علم ریاضی» بود تعداد زیادی از آثار که توسط ریاضیدانان مسلمان پدید آمد در موضوع حساب، جبر، هندسه و سایر شاخه های ریاضی بود.^(۱۱۸)

«لطف الله مهندس و فرزندش خیرالله»، «محمد زمان فیاض بن محمد صادق انبالوی دهلوی»، «سید نورالاصفیا اورنگ آبادی» و «حافظ احمد بن محمد انصاری مغربی» تعدادی از ریاضیدانان مشهور و نویسندگان پرتألیف در این زمینه بودند.^(۱۱۹) زمینه های مشهور دیگری که دانشمندان

شعرای درجه اول در طول این دوره به کمال رسیدند که به تعدادی از آنها که مشهورترند، اشاره می‌شود:

«سید نجم الدین قاسم گاهی» (م. ۱۵۸۰/۹۸۸هـ)، مشهورترین شاعر عهد همایون است و پس از مرگ همایون تحت حمایت و پشتیبانی اکبر قرار گرفت. (۱۲۱)

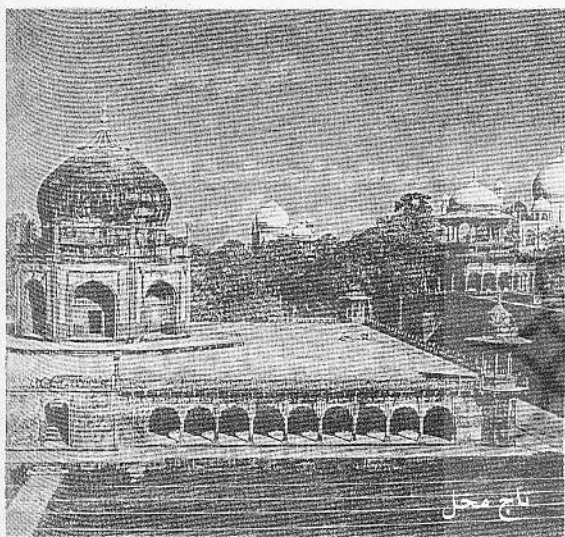
از دیگر شعرای مشهور دوره همایون، «جنوبی بدخشی»، «نادری سمرقندی»، «فارغی هروی» و «طاهر دخانی» هستند. (۱۲۲) دوره سلطنت اکبر، دوران طلایی گسترش شعر فارسی در شبه قاره به شمار می‌آید. شعرای طراز اول پارسی گو در این دوره به کمال رسیدند و لذا به منظور تشویق شاعران، سلاطین مغول مقامی به نام «ملک الشعرا» را در دربار خود بنا نهادند.

ابوالفیض فیضی فیاضی (م. ۱۵۹۵/۱۰۰۴هـ) که در عهد اکبر شاه مشهور گردید بدون شک بزرگترین شاعر پارسی گو، پس از امیرخسرو است. وی اولین شاعر در شبه قاره هند است که عنوان «ملک الشعرای» را از اکبر شاه دریافت داشت. هرچند وی طبع و مهارت خود را در انواع قالب های رایج شعر فارسی آزمود با این وجود، بیشترین تجربه شعری و موفقیت خود را در «مثنوی سرایی» باز یافت. علاوه بر دیوانش که مشتمل بر حدود دوازده هزار بیت شعر است، خمسة او نیز شامل پنج مثنوی به نام های: «مخزن الادوار»، «سلیمان و بلقیس»، «هفت کشور»، «اکبرنامه» و «نل و دمن» است. (۱۲۳) «جمال الدین عرفی شیرازی» متوفی به سال (۱۵۹۱/۹۹۹هـ) نیز یکی از شعرای بزرگ این دوره است که از ایران وارد شبه قاره شد و پیوسته در خدمت فیضی فیاضی، حکیم ابوالفتح گیلانی، عبدالرحیم خان خانان و اکبر شاه باقی ماند. هرچند وی اشعار زیادی در قالب مثنوی، غزل، رباعی و قطعه دارد، ولی در حقیقت شهرتش بیشتر در قصیده پردازی است، و چنین به نظر می‌رسد که در تمام تاریخ ادبیات شبه قاره بی‌همتاست. معاصران وی از قبیل ابوالفضل علامی، ابوالفیض فیضی، عبدالقادر بدایونی و دیگران علو وی را در مدیحه پردازی تصدیق کرده اند. علاوه بر دیوان شعر او که مشتمل بر قصیده، غزل، رباعیات و قطعه است، وی دو مثنوی به نام های «مجمع الابدکار» و «فرهاد و شیرین» نیز دارد. (۱۲۴)

«محمدحسین نظیری نیشابوری» (م. ۱۶۲۲/۱۰۲۱هـ)

شاعر برجسته ای است که در عهد سلطنت اکبر و جهانگیر به درجه کمال رسید. و استعداد خود را در تمام قالب های متداول شعر فارسی به کار گرفت اما در غزل پرداززی سرآمد بود. قصیده های او به لحاظ اشتمال بر اطلاعات دست اول مربوط به رویدادهای مهم دارای اهمیت است. (۱۲۵)

ملا نورالدین ظهوری ترضیزی (م. ۱۶۱۶/۱۰۲۵هـ) نیز یکی از شعرای بزرگ و پُرکار است که در بیجاپور به شهرت رسید و تحت پشتیبانی سخاوتمندانه «ابراهیم عادل شاه» ۱۶۲۷ - ۱۵۸۰م قرار گرفت. آثار مهم او عبارت است از «دیوان»، «ساقی نامه» و چهار مثنوی. (۱۲۶)



مشهورترین شاعر عهد جهانگیر «محمد طالب آملی» م. ۱۶۲۵-۶/۱۰۳۵-۶هـ است، وی یکی از شعرای طراز اول مدیحه پرداز در شبه قاره است و «ملک الشعرای» دربار جهانگیر بود. (۱۲۷)

ابوطالب کلیم کاشانی یا همدانی (م. ۱۶۵۱/۱۰۶۱هـ)، «ملک الشعرای» دربار مغول در عهد شاهجهان بود. (۱۲۸) از دیگر شعرای مشهور دوره شاهجهان «سعیدای گیلانی» (م. ۱۶۳۷/۱۰۴۷هـ)، «ابوالبرکات منیر لاهوری» (م. ۱۶۴۴/۱۰۵۴هـ) و «حاج محمد جان قدسی مشهدی» (م. ۱۶۴۶/۱۰۵۶هـ) هستند. (۱۲۹)

در عهد سلطنت «عالمگیر» در نتیجه بی‌علاقگی وی به شعر و شاعری و گرایش عامه مردم و استقبال و قدردانی آنها بیشتر از دربار به این حرفه، شعرا بیشتر به جانب مردم گزاشیدند. (۱۳۰) حتی عالمگیر مقام «ملک الشعرائی» را نیز در دربار تعطیل کرد. (۱۳۱) به هر حال در این دوره تعدادی از

شعرای برجسته به درجه شهرت و کمال رسیدند که برخی مشهورترند از قبیل: «غنی کشمیری» (م. ۱۶۶۸/۱۰۷۹هـ)، «ناصر علی سرهندی» (م. ۱۶۹۷/۱۱۰۸هـ)، «نعمت خان عالی» (م. ۱۷۰۹/۱۱۲۱هـ) و «عبدالقادر بیدل» (م. ۱۷۲۰/۱۱۳۳هـ).

میرزا عبدالقادر بیدل، یکی از پراثرترین و درخشان‌ترین شاعران این دوره است. وی علاوه بر دیوان پرحجمش، چندین مثنوی سروده است که مشهورتر از همه «مثنوی اعظم»، «طلسم حیات»، «طور معرفت»، «عرفان»، «تنبیه المّهوسین» و «گل زرد» است. «شیخ محمد علی حزین»، «سراج الدین علی خان آرزو»، «شاه فقیرالله آفرین»، «قزلباش خان امید»، «غلام علی آزاد بلگرامی» و «واقف لاهوری» تعداد دیگری از شعرای مشهورتر بعد از عهد عالمگیر هستند. (۱۳۲)

دوره پس از مغول:

قلمرو سیاسی مسلمانان پس از عزل آخرین سلطان مغول یعنی «سراج الدین بهادرشاه ظفر» به سال ۱۸۵۷م توسط بریتانیا، رو به اضمحلال نهاد و تسلط انگلیس بر تمام شبه قاره حکمفرما گردید و از این رو قوانین و مقررات انگلیسی‌ها دگرگونی‌های زیادی را در محیط سیاسی و فرهنگی پدید آورد. معرفی و ترویج روش‌های جدید و تعالیم غربی، توسط فرمانروایان انگلیسی، تأثیر ژرفی بر آداب و رسوم شرقی و سنت‌های اسلامی در شبه قاره نهاد و در سال (۱۸۳۵م/۱۲۵۱هـ) زبان انگلیسی به عنوان زبان رسمی جایگزین زبان فارسی گردید. زبان اردو نیز پس از یکدوره تکامل تدریجی به حدی رسیده بود که به جای ادب فارسی، زبان ادبی شبه قاره گردد. مواردی که یاد شد و عوامل دیگر موجب دلسردی مردم نسبت به زبان و ادبیات فارسی شد.

با وجود این، حاکمان انگلیسی نسبت به زبان فارسی و سایر زبانهای شرقی علاقه نشان می‌دادند و از این رو چندین مؤسسه از قبیل مدرسه کلکته (Madrasa Calcutta) به سال (۱۷۸۱م/۱۱۹۶هـ)، دانشکده فورت ویلیام کلکته (Fort William College of Calcutta) سال (۱۸۰۰م/۱۲۱۵هـ) دانشگاه‌های کلکته و مدارس و بمبئی (۱۸۵۷م/۱۲۷۴هـ) دانشکده عربی دهلی به سال ۱۸۶۸/۱۲۸۵هـ، ارنیتال کالج لاهور (Oriental College of Lahore) ۱۸۷۰/۱۲۸۷هـ و

دانشگاه پنجاب ۱۸۸۲م/۱۳۰۰هـ. یعنی همانجاییکه زبان فارسی به عنوان یکی از مواد درسی تدریس می‌شد، تأسیس کردند.

مؤسسه آسیایی بنگال که در سال (۱۷۸۴م/۱۱۹۹هـ) در کلکته تأسیس شد، نقش مهمی در پیشرفت زبان و ادبیات فارسی ایفاء کرد و تعداد زیادی از آثار مهم زبان فارسی را جزء سلسله انتشارات کتابخانه (Indica) ایندیکا، منتشر ساخت. اورینتال کالج، لاهور نیز در این زمینه علاوه بر تحقیقات ارزشمند و کارهای انتقادی بر روی متون نایاب و ممتاز فارسی، کتابهای فراوانی را ترجمه و منتشر کرده است.

در طول این دوره توجه ویژه‌ای به تأسیس کتابخانه‌ها شد، علاوه بر کتابخانه‌های شخصی، دولتی و سلطنتی که در دوره مغول و بعد از آن تأسیس شده بود و قبلاً بوضوح ذکر آنها گذشت. تعدادی از کتابخانه‌های مشهور که در این زمان با ذخائر زبان فارسی ایجاد شد، عبارتند از:

«کتابخانه دولتی رامپور»، «کتب خانه آصفیه حیدرآباد»، «کتابخانه اورینتال پبلک بنکی پور (Oriental Public Library of Bankipur)»، «کتابخانه دانشگاه پنجاب در لاهور (Panjab University Library of Lahore)»، «کتابخانه دانشگاه مسلمانان در علیگره (Muslim University of Aligarh)»، و کتابخانه‌های شخصی از قبیل: «کتابخانه نواب حبیب الرحمن (حبیب غنی)»، «در علیگره»، «کتابخانه حافظ محمود شیرانی»، «کتابخانه پرفسور محمد شفیع» در لاهور و «کتابخانه خدابخش» در پتنه.

تا این زمان زبان اردو قابلیت و استعداد خود را به عنوان یک زبان همگانی و ادبی به اثبات رسانده بود و دانشمندان عموماً آثار خود را به زبان اردو می‌نوشتند، اما به هرحال نوشتن به زبان فارسی هرچند به میزان اندک، ادامه می‌یافت. در زیرنگاهی کوتاه به آثار فارسی که در این دوره پدید آمده است، می‌اندازیم:

تعداد بیشتری از آثاری که در این دوره به فارسی نوشته شده است، درباره مذهب و تصوف و شاخه‌های مربوط به آنهاست. «نواب صدیق حسن خان» (م. ۱۸۸۹م/۱۳۰۷هـ) از بهوپال یکی از پرتألیف‌ترین نویسندگان در موضوعات یاد شده است به طوری که گفته می‌شود، دو بیست و بیست و دو کتاب در موضوعات گوناگون به زبانهای عربی، فارسی و



اردو نوشته است. کتابهای «الاکسیر فی اصول التفسیر»، «افادة الشیوخ بقدر التاسخ والمنسوخ»، «الادراک فی تخریج احادیث»، «ردّ الاشراق» و «مسک الختام» تعدادی از آثار مشهور او به فارسی است. (۱۳۳)

حکما و صوفیان مشهور و پرتألیف این دوره: «مولانا سلامت الله بدایونی» م. ۱۸۶۴/م ۱۲۸۱ هـ، «سید محمد از لکهنؤ» (م. ۱۸۶۷/م ۱۲۸۴ هـ)، «خواجه شمس الدین سیالوی» (م. ۱۸۸۲/م ۱۳۰۰ هـ)، «حاج امداد الله مهاجر مکی» (م. ۱۸۹۹/م ۱۳۱۷ هـ)، «احمد رضا خان بریلوی» (م. ۱۹۲۱/م ۱۳۴۰ هـ) و «پیر سیدمهر علی شاه گولروی» بوده اند. (۱۳۴)

در این دوره پیشرفت فوق العاده ای در زمینه تدوین متون تاریخی صورت گرفت و چند اثری که به فارسی پدید آمد، بیشتر متضمن اوضاع مختلفی بود که بویژه مربوط به رویدادهای جنگ آزادی در سال ۱۸۵۷/م ۱۲۷۴ هـ است، چند اثر مشهور در این باره عبارتند از: «دستنبو» نوشته شاعر مشهور فارسی و اردو «میرزا اسدالله خان غالب». (م. ۱۸۶۹/م ۱۲۸۶ هـ). این کتاب شامل تعدادی از حوادث غم انگیز است که در طول جنگ آزادی در دهلی اتفاق افتاده است و به لحاظ سبک منحصر به فردی که دارد به عنوان یکی از شاهکارهای ادب فارسی مورد توجه است. (۱۳۵)

«تواریخ خورشیدی جهان» از شیر محمد خان. (۱۴۱)

«داستان ترک‌تازان هند» از میرزا نصرالله خان فانی که مشتمل است بر تاریخ ورود محمد بن قاسم تا مرگ آخرین امپراتور مغول - بهادر شاه ظفر (۱۴۲).

«تواریخ احمدی» نیز کتاب دیگری است که شرح زندگی یکی از رهبران جنگ استقلال پاکستان - احمدالله شاه - است و توسط یکی از شاگردان وی به نام «طالب» نوشته شده است.

تذکره (شرح حال نگاری):

در زمینه تذکره و شرح حال نویسی به زبان فارسی در این دوره، تعدادی از آثار مشهور و مهم پدید آمد. بهوپال مرکز مهمی برای تجمع تذکره نگاران بود و تعدادی تذکره شعرا و دانشمندان تحت حمایت و پشتیبانی نواب شاهجهان

در زمینه تذکره و شرح حال نویسی به زبان فارسی در این دوره، تعدادی از آثار مشهور و مهم پدید آمد. بهوپال مرکز مهمی برای تجمع تذکره نگاران بود و تعدادی تذکره شعرا و دانشمندان تحت حمایت و پشتیبانی نواب شاهجهان

تذکره (شرح حال نگاری):

در زمینه تذکره و شرح حال نویسی به زبان فارسی در این دوره، تعدادی از آثار مشهور و مهم پدید آمد. بهوپال مرکز مهمی برای تجمع تذکره نگاران بود و تعدادی تذکره شعرا و دانشمندان تحت حمایت و پشتیبانی نواب شاهجهان

تذکره (شرح حال نگاری):

در زمینه تذکره و شرح حال نویسی به زبان فارسی در این دوره، تعدادی از آثار مشهور و مهم پدید آمد. بهوپال مرکز مهمی برای تجمع تذکره نگاران بود و تعدادی تذکره شعرا و دانشمندان تحت حمایت و پشتیبانی نواب شاهجهان

تذکره (شرح حال نگاری):

در زمینه تذکره و شرح حال نویسی به زبان فارسی در این دوره، تعدادی از آثار مشهور و مهم پدید آمد. بهوپال مرکز مهمی برای تجمع تذکره نگاران بود و تعدادی تذکره شعرا و دانشمندان تحت حمایت و پشتیبانی نواب شاهجهان

تذکره (شرح حال نگاری):

در زمینه تذکره و شرح حال نویسی به زبان فارسی در این دوره، تعدادی از آثار مشهور و مهم پدید آمد. بهوپال مرکز مهمی برای تجمع تذکره نگاران بود و تعدادی تذکره شعرا و دانشمندان تحت حمایت و پشتیبانی نواب شاهجهان

تذکره (شرح حال نگاری):

در زمینه تذکره و شرح حال نویسی به زبان فارسی در این دوره، تعدادی از آثار مشهور و مهم پدید آمد. بهوپال مرکز مهمی برای تجمع تذکره نگاران بود و تعدادی تذکره شعرا و دانشمندان تحت حمایت و پشتیبانی نواب شاهجهان

بیگم - فرمانروای ایالت بهوپال، و شوهر وی «نواب صدیق حسن خان» که خود دانشمند بزرگی در آن روزگار بود، پدید آمد.

نواب صدیق حسن خان، پر تألیف ترین تذکره نگار این دوره است و مشهورترین آثار او در این زمینه عبارتند از: «شمع انجمن»، «نگارستان سخن» و «صبح گلشن» که به ترتیب شرح حال نهصد و هفتاد و هشت، و ششصد و پنجاه و یک، و دو هزار و بیست و چهار شاعر از متقدمین و متأخرین و معاصرین را شامل است. (۱۴۳)

«تذکره علمای هند» از «مولوی رحمان علی» که شامل شرح حال ششصد و چهل و نه نفر از علمای مذهبی شبه قاره است. (۱۴۴)

«اختر تابان» از «ابوالقاسم محتشمی» مشتمل بر شرح احوال هشتاد و چهار تن از زنان شاعر پارسی سرا است. (۱۴۵)

«تکملة مقالات الشعراء» از محمد ابراهیم مسکین خلیل که مکمل مقالات الشعراء میرعلی شیر قانع است. (۱۴۶)

«تذکره الشعراء» از محمد عبدالغنی و شامل شرح حال مختصری از یک هزار و چهل و یک شاعر است که به ترتیب الفبائی و به شکل جدول فراهم آمده است. (۱۴۷)

«تذکره سخنوران چشم دیده» از «مولوی ترک علی شاه قلندر» و شامل دویست و سی شاعر معاصر مؤلف است. (۱۴۸)

«سخنوران ایران در عصر حاضر» نوشته محمد اسحاق و مشتمل بر شرح حال هشتاد و سه تن از شعراء فارسی زبان عصر مؤلف است. این کتاب در تاریخ ادبیات فارسی معاصر اهمیتی ویژه دارد. (۱۴۹)

«شعر العجم» از مولانا شبلی و تذکره «گلشن بی خار» از «نواب مصطفی خان شیفته». (۱۵۰)

فرهنگ نویسی:

به دنبال پیشرفت فرهنگ نویسی در دوره گورکانیان، تعدادی فرهنگ نیز در این دوره تألیف شد. چندین اثر انتقادی که له یا علیه «برهان قاطع» تألیف محمدحسین برهان، توسطه دانشمندان مختلف نوشته آمد. مشهورترین آنها «قاطع برهان» اثر میرزا اسدالله خان غالب است که برهان قاطع را به شدت مورد انتقاد قرار می دهد. به طرفداری

از این کتاب، کتابهای دیگری در این زمینه نوشته شد، مانند: «دافع هذیان» از مولوی نجف علی و در رد آن آثار دیگری مثل «محزک برهان» از مولوی سعادت علی، «ساطع برهان» از میرزا رحیم بیگ ساطع، «قاطع القاطع» از مولوی امین الدین و «مؤید برهان» از مولوی آغا محمد تألیف گردید. (۱۵۱)

گذشته از این نوع آثار انتقادی چند فرهنگ مهم و جامع نیز در این دوره نوشته شد که مورد پذیرش جمهور دانشمندان قرار گرفته است همانند: (۱۵۲)

«فرهنگ آندراج» تألیف محمد پادشاه شاد که آن را به نام حاکم «وجیانگر»، پسر مهاراجا میرزا آندراج گچپتی - نوشته است و مشهورترین و جامع ترین فرهنگ این دوره است.

«خزانه اللغات»، از منشی سید جمیل سَهسوانی است که معادل واژه ها را به شش زبان: اردو، فارسی، عربی، سانسکریت، انگلیسی و ترکی آورده است.

«آصف اللغات» از نواب عزیز یار جنگ بهادر، «هفت قلم» از «مولوی قبول محمد»، «لغت کشوری» از سید تصدق حسین و «فیروز اللغات» از مولوی فیروزالدین.

کارهای گوناگون و پراکنده (متفرقات):

در این دوره علاوه بر موارد یاد شده، تألیف کتابهای دیگری در موضوعات متداول و رایج هنر و علوم هرچند به میزان کمتر ادامه یافت و روزنامه ها و مجلات ادبی به سرعت رشد یافت. مشابه این ادبیات در خلال قرون اولیه حکومت مسلمانان در شبه قاره یافت می شود که بیشتر، حوادث را به ترتیب زمانی توصیف می کند و تصادفاً در کتب تاریخی و تذکره ها و سایر منابع نیز یافت می شود. در این دوره پس از پیدایش صنعت چاپ و چاپخانه یعنی در اواسط قرن نوزدهم میلادی ادبیات پیشرفت فوق العاده ای حاصل کرد.

نخستین مجله ادبی فارسی در شبه قاره «مرآت الاخبار» بود که در تاریخ بیستم آوریل سال (۱۸۲۲/۱۲۳۷هـ) در کلکته به سردبیری «راجا رام موهن رای» انتشار یافت. به دنبال آن تعدادی از روزنامه ها و مجلات به صورت، روزانه، هفتگی و ماهانه در کلکته، دهلی، بمبئی، آگره، لدیهانه، پیشاور، لاهور، کراچی، سکهر، انتشار یافت.

نشریاتی که توسط دانشمندان و روزنامه نگاران مسلمان منتشر شد، از قبیل:

«آینه سکندری»، «ماه عالم افروز»، «سلطان الاخبار»، «مهر منیر»، و «گلشن بهار»، نقش مهمی را در جنبش های مختلف علیه بریتانیا ایفاء کردند و مردم را برای رسیدن به آزادی برانگیختند که نتایج آنها نهایتاً به آزادی شبه قاره و تأسیس کشورهای مستقل منجر گردید. (۱۵۳)

مشهورترین و مهمترین نشریه در این دوره «حبل المتین» است که به سال (۱۸۹۳م/۱۳۱۱ه) در کلکته به سردبیری «سید جلال الدین مؤید الاسلام» انتشار یافت، که در جنبش مشروطیت ایران برای رسیدن به حکومت قانونی نقش بسزائی داشت. (۱۵۴) «شجره نامه نویسی» نیز به عنوان یکی از شاخه های مشهور ادبیات فارسی در این دوره مطرح شد و تعداد قابل ملاحظه ای شجره نامه جامع و مهم به زبان فارسی، تألیف شد. تعدادی از شجره نامه های مشهورتر این دوره عبارتند از: «کنز الانساب» از عطا حسین، «ریاض الانساب» از میرزا محمد، «شجره طیبه» از عبدالسلام، «شجره العارفین از محمدعلی الفت، «تحقیق الانساب» از عبدالرزاق کلیانوی. (۱۵۵)

در این عصر محققان در شبه قاره با شیوه های جدید اروپائیان در تحقیقات ادبی آشنا شدند و با آن روش ها، متون ادب فارسی را مورد نقد و بررسی و تحقیق قرار دادند. علاوه بر تحقیقات و نقد و بررسی متون به زبانهای فارسی، انگلیسی و اردو، برخی از متون فارسی با اسلوب نوین، تصحیح و با مقدمه و توضیحات لازم منتشر گردید. خراجیهایی که برای مدتی در شبه قاره مانده بودند، به ویژه انگلیسی ها، در فعالیت های ادبی شرکت داشتند. آنها نه تنها آثار جدیدی را در زمینه زبان فارسی پدید آوردند، بلکه به تصحیح و ترجمه و تلخیص برخی از متون مهم فارسی به زبان انگلیسی مبادرت ورزیدند. جمع کثیری از محققان مسلمان در زمینه ادب فارسی تحقیقات ارزشمندی را انجام دادند که به تعدادی از مشاهیر آنها اشاره می شود:

«علامه شبلی نعمانی»، «سر سید احمدخان»، «حافظ محمود شیرانی»، «پروفیسور محمد شفیع»، «پروفیسور دکتر هادی حسن»، «دکتر محمد اسحاق»، «دکتر عبدالغنی»، «پروفیسور دکتر غلام سرور» و «پروفیسور دکتر محمد باقر».

شعر و شاعری:

در این دوره دو گرایش مختلف در زمینه شعر به وجود آمد، اکثر شعرا از قبیل: «مؤمن خان مؤمن»، «محمد مصطفی خان شیفته» و «گرامی جالندهری»، اساساً به پیروی از شعرای سلف به سبک قدیم شعر می سرودند، و گروه دیگر به ویژه غالب، شبلی و علامه اقبال، بنا به ضرورت زمان و نیاز جامعه عناصر جدیدی را در شعر وارد کردند که تغییرات زیادی را در سبک و محتوای قالب های شعری ایجاد کرد. احساس و درک عمیق سیاسی، اجتماعی و فقر اقتصادی مسلمانان شبه قاره و برخورد شدید در برابر اندیشه ها و فرهنگ غربی، عناصر عمده ای است که در شعر آنها به خوبی نمایان شده است. «میرزا اسدالله خان غالب» پیشتاز شعرا در این دوره است. وی به عنوان یک شاعر، نقاد، فرهنگ نویس، زبان شناس و تذکره نگار در ربع اول قرن نوزدهم، میلادی آفرینش های ادبی خود را آغاز کرد که در خلال دوره حکومت انگلیسی ها و سرانجام تا مرگش به سال (۱۸۶۹م/۱۲۸۵ه) ادامه داشت.

هرچند وی به عنوان یک شاعر بزرگ «اردو سرا» در جهان شناخته شده است به اعتراف خود علو و شهرت وی به عنوان یک شاعر، مرهون سرودن اشعار فارسی اوست. آثار شعر فارسی او شامل قصیده، غزلیات، مثنویات، رباعیات، قطعه ها و مرثی و آثار نثرش شامل: «پنج آهنگ»، «مهر نیمروز»، «دستنبو» و غیره است. (۱۵۶)

مشهورترین شاعر «پارسی سرا» در عصر خویش «علامه دکتر محمد اقبال لاهوری» است. وی به لحاظ خدمات ارزنده و استثنائی که به مسلمانان شبه قاره خصوصاً و برای تمام جهان عموماً ارائه کرد، عنوان «حکیم الامت» را کسب کرد. گذشته از اینکه وی نقش برجسته ای در بیداری مسلمانان شبه قاره و متحد ساختن آنها به مقاومت و پایداری برای به دست آوردن حق آزادی در برابر اجانب داشت، به لحاظ تحولی که در شعر فارسی و اردو ایجاد کرد، جایگاه ویژه ای در تاریخ ادبی شبه قاره دارد. مهمترین و جاودانه ترین سهم و ارمغان علامه اقبال به مسلمانان ارائه اندیشه و فلسفه «خودی» است که به انسان بالاترین توانائی ها را می بخشد. این اندیشه در دو منظومه او به نام های: «اسرار خوردی» و «رموز بی خودی» عرضه و معرفی شده است و در بین دانشمندان مسلمان و غیر مسلمان

بسیار مشهور است. دو تن از محققان و مستشرقان مشهور: پروفیسور رینولد الین نیکلسون و آربری که از معاصران علامه اقبال نیز هستند به ترتیب «اسرار خودی» و «رموز بی خودی» را با عنوان "Secret of the Self" و "The Mysteries of Self-Lessness" به انگلیسی برگردانده اند. از آثار دیگر فارسی او «پیام مشرق»، «زبور عجم»، «جاویدنامه»، «مسافر»، «پس چه باید کرد؟» و «ارمغان حجاز» است.

*** **

این مقاله تنها، نگاهی گذرا به گسترش شاخه های مشهورتر زبان و ادبیات فارسی است که متجاوز از هشتصد سال در شبه قاره جریان داشته است. کاملاً روشن است که محققان مسلمان، همواره در طول زمان برتری خود را در تمام شاخه های هنر و علوم و ادبیات نشان داده اند. در خلال حکومت نود ساله انگلیس در هند، علیرغم دلسردی و بی میلی مردم نسبت به زبان فارسی، همواره کوشش شده است که پیوند آثار بزرگ زبان فارسی در منطقه حفظ شود و در آینده نیز همچنان دوام یابد.

پایان

پانویس و مأخذ:

۱۱۲- این مقاله در کتاب Road to Pakistan - Vol.I, 1990 Pakistan Historical Society Publication No. 78, Chapter: XIV. به چاپ رسیده است.

۱۱۳- اته، فهرست... ج ۱، شماره های ۲۸۶-۲۷۱.

عبدالمقتدر، فهرست... جلد ۴، شماره های ۸۶۸-۸۶۷.

۱۱۴- اته، فهرست... ج ۱، شماره های ۱۵۱۴-۱۵۰۹.

ریو، فهرست... ج ۲، ص ۷۴۱.

۱۱۵- تاریخ ادبیات مسلمانان... ج ۴، باب ۱۵ و ج ۵، فصل اول، باب ۵.

۱۱۶- این حکیم نامی مدتی نیز در خدمت نادرشاه افشار به ایران آمد.

۱۱۷- همان مأخذ، ج ۴، باب دوازدهم، و ج ۵، فصل ۱ باب ۷.

۱۱۸- برای اطلاع از آثار مهم دیگر نگاه کنید به تاریخ ادبیات مسلمانان

پاکستان و هند، ج ۴، باب ۱۲ و ج ۵، فصل اول، باب ۸.

۱۱۹- تارخی ادبیات مسلمانان... ج ۴، باب ۱۲ و جلد ۵، فصل اول باب ۸.

۱۲۰- همان مأخذ، جلد ۴، باب ۱۱ و ۱۲ و جلد ۵، فصل اول، باب ۸.

۱۲۱- عبدالقادر بدایونی، منتخب التواریخ، ج ۳، ص ۱۷۲.

امین احمد رازی، هفت اقلیم، تهران، بی تاریخ، ج ۳، ص ۳۷۶.

۱۲۲- صباح الدین، بزم مملوکیه، صص ۳۷-۴۳.

۱۲۳- عبدالقادر بدایونی، منتخب التواریخ، ج ۳، ص ۲۹۹.

۱۲۴- عبدالقادر بدایونی، منتخب التواریخ، ج ۳، ص ۲۸۵.

عبدالباقی نهاوندی، مآثر رحیمی، کلکته، ۱۹۳۱م، ج ۳، ص ۲۹۳.

عبدالنبی قزوینی، تذکره میخانه، ص ۱۷۵.

شبلی، شعر العجم، ج ۳، ص ۸۲.

۱۲۵- عبدالنبی، تذکره میخانه، ص ۵۲۴.

عبدالباقی، مآثر رحیمی، ج ۳، ص ۱۱۵.

۱۲۶- عبدالنبی، تذکره میخانه، تهران، ۱۳۳۹، ص ۲۶۷.

عبدالباقی، مآثر رحیمی، ج ۳، ص ۳۹۳.

۱۲۷- عبدالنبی، میخانه، ص ۳۸۴.

شبلی، شعر العجم، ج ۳، ص ۱۶۵.

۱۲۸- شبلی، شعر العجم، ج ۳، ص ۲۰۵.

رضازاده شفق، تاریخ ادبیات ایران، ص ۳۷۳.

۱۲۹- صباح الدین، بزم مملوکیه، ص ۱۷۷.

تاریخ ادبیات مسلمانان... ج ۴، صص ۳۶۲-۳۴۰.

۱۳۰- صباح الدین، بزم مملوکیه، ص ۲۶۴ به بعد.

تاریخ ادبیات مسلمانان... ج ۴، صص ۴۱۳-۳۸۰.

مقایسه کنید با معین الحق، «Islamic thought» ص ۳۴۹.

۱۳۱- غلامعلی آزاد بلگرامی، خزانه عامره، ص ۱۵۲.

صباح الدین، بزم مملوکیه، ص ۲۹۶.

عبدالغنی، زندگی و آثار عبدالقادر بیدل، لاهور، ۱۹۶۰م، خافی خان، تاریخ

عهد جهانگیر.

۱۳۲- تاریخ ادبیات مسلمانان... ج ۵، باب ۲.

۱۳۳- رحمان علی، تذکره علمای هند، ص ۹۴، برای شرح احوال وی نگاه

کنید علی حسن خان، مآثر صدیقی، لکهنو، ۱۳۴۳هـ.

۱۳۴- سید عبدالله، فهرست سی تن از نویسندگان مذهبی و عرفانی فارسی

گو، در تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و هند، ج ۵، باب ۶.

۱۳۵- دکتر غلام سرور، تاریخ زبان فارسی، کراچی، ۱۹۶۲م، ص ۲۴۸.

تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و هند، ج ۵، ص ۵۲۷.

۱۳۶- همان مأخذ، ص ۵۳۶.

۱۳۷- همان مأخذ، ص ۵۳۶.

۱۳۸- همان مأخذ، ص ۵۳۷.

۱۳۹- همان مأخذ، ص ۵۱۱.

۱۴۰- همان مأخذ، ص ۵۳۸.

۱۴۱- همان مأخذ، ص ۵۳۹.

۱۴۲- همان مأخذ، ص ۵۳۹.

۱۴۳- همان مأخذ، صص ۵۴۴-۵.

۱۴۴- همان مأخذ، ص ۵۶۰.

۱۴۵- همان مأخذ، ص ۵۴۶.

۱۴۶- همان مأخذ، ص ۵۴۷.

۱۴۷- همان مأخذ، ص ۵۴۷.

۱۴۸- همان مأخذ، ص ۵۴۷.

۱۴۹- همان مأخذ، ص ۵۴۹.

۱۵۰- همان مأخذ، ص ۵۳۷ به بعد.

۱۵۱- همان مأخذ، فصل ۲ باب ۵.

۱۵۲- همان مأخذ، فصل ۲ باب ۷، صفحه ۶۱ به بعد.

۱۵۳- همان مأخذ، ص ۶۲۴.

۱۵۴- همان مأخذ، ص ۶۳۳.

۱۵۵- همان مأخذ، بخش ۱، ص ۸۲ به بعد.

۱۵۶- عبدالمجید سالک، ذکر اقبال، لاهور، ۱۹۵۵م.

تارخی ادبیات مسلمانان پاکستان و هند، ج ۵، ص ۴۴۷ به بعد.

دکتر سید محمد اکرم، اقبال در راه مولوی، لاهور، ۱۹۷۰م.